



## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه های نماز جمعه ی تهران - 29 / مهر / 1384

خطبه ی اول

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین نحمده و نستعینه و نستغفره و نتوکل علیه و نصلى و نسلم على حبيبه و نجيبه و صفيّه و خيرته فى خلقه حافظ سرّه و مبلغ رسالاته بشير رحمته و نذير نقمته سيّدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمّد و على اله الأتبيين الأطهرين المنتجبين سيّما بقيّة الله فى الأرضين و صلّ على أئمة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنین.

همه ی برادران و خواهران عزیز را که در این نماز پُرشکوه شرکت کرده اید و همچنين خودم را به حفظ تقوا و پرهیزگاری دعوت و توصیه می کنم ؛ که هدف از روزه ی ماه رمضان، بنا بر تصریح آیه ی قرآن، عبارت است از تقوا و افزایش این ذخیره ی معنوی در وجود انسان.

این ماه، ماه ضیافت الهی است. پذیرایی خداوند از بندگان خود در این ماه - که يك پذیرایی معنوی است - عبارت است از گشودن درهای رحمت و مغفرت و مضاعف کردن اجر و ثواب اعمال خیری که بندگان در این ماه انجام می دهند. روزه ی ماه رمضان هم یکی از مواد همین ضیافت عظیم الهی است، که مایه ی تصفیه ی روح انسان و ایجاد زمینه ی طهارت قلبی روزه دار است. امام سجاد ( علیه السّلام ) در خطبه یی فرمود: «شهر الطهور و شهر التمحيص» ؛ رمضان، ماه پاک شدن و طهارت قلب و ماه مغفرت است ؛ چون خدای متعال استغفار را در این ماه بیش از دیگر ایام سال مورد لطف و عنایت خود قرار می دهد. لذا در يك روایت وارد شده است که «فمن لم یغفر له فى رمضان ففی ایّ شهر یغفر له» ؛ اگر کسی در ماه رمضان - که درهای رحمت و مغفرت الهی به روی انسانها گشوده است - نتواند به مغفرت و رحمت الهی دست پیدا کند، پس کی چنین توفیقی نصیب او خواهد شد؟

یکی از مواد این مائده ی الهی و ضیافت الهی، لیلة القدر است ؛ که در باب وظایف لیلة القدر، بنده امروز در خطبه ی اول قدری صحبت کنم. فرمود «لیلة القدر خیر من الف شهر» ؛ شبی که به عنوان لیلة القدر شناخته شده است و مردد است بین چند شب در ماه رمضان، از هزار ماه برتر و بالاتر است. در ساعت های کیمیایی لیلة القدر، بنده ی مؤمن باید حداکثر استفاده را بکند. بهترین اعمال در این شب، دعاست. درباره ی دعا هم امروز مطالبی را به شما برادران و خواهران عرض می کنم. احیاء هم برای دعا و توسل و ذکر است. نماز هم - که در شب های قدر یکی از مستحبات است - در واقع مظهر دعا و ذکر است. در روایت وارد شده است که دعا «مخّ العبادة» ؛ مغز عبادت، یا به تعبیر رایج ماها، روح عبادت، دعاست. دعا یعنی چه؟ یعنی با خدای متعال سخن گفتن ؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن. دعا یا درخواست است، یا تمجید و تحمید است، یا اظهار محبت و ارادت است ؛ همه ی اینها دعاست. دعا یکی از مهمترین کارهای يك بنده ی مؤمن و يك انسان طالب صلاح و نجات و نجات است. دعا در تطهیر روح چنین نقشی دارد.

دستاوردهای دعا چیست؟ وقتی ما با خدا سخن می گوئیم، او را نزدیک خود احساس می کنیم، مخاطب خود می دانیم و با او حرف می زنیم، این دستاوردها از جمله ی فواید و عواید دعاست. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل، غفلت را - که مادر همه ی انحراف ها و کجی ها و فسادهای انسان، غفلت از خداست - می زداید. دعا غفلت را از دل انسان می زداید ؛ انسان را به یاد خدا می اندازد و یاد خدا را در دل زنده نگه می دارد. بزرگترین خسارتی که افراد محروم از دعا مبتلای به آن می شوند، این است که یاد خدا از دل آنها می رود. نسیان و غفلت از خدای متعال برای بشر بسیار خسارتبار است. در قرآن چند آیه در این باره ذکر شده و بحث مفصلی دارد.

دستاورد دوم دعا، تقویت و استقرار ایمان در دل است. خصوصیت دعا این است که ایمان را در دل پایدار و مستقر می



کند. ایمان قابل زوال در مواجهه‌ی با حوادث عالم و سختی‌ها، خوشی‌ها، تنعم‌ها و حالات گوناگون انسان، در خطر از بین رفتن است. می‌شناسید کسانی را که ایمان داشتند؛ اما در مواجهه‌ی با مال دنیا، با قدرت دنیا، با لذات جسمی و شهوات قلبی، ایمان از دست آنها رفت. این، ایمان متزلزل و غیرمستقر است. خصوصیت دعا این است که ایمان را در دل انسان مستقر و ثابت می‌کند و خطر زوال ایمان با دعا و استمرار توجه به خدای متعال از بین می‌رود.

سومین دستاورد، دمیدن روح اخلاص در انسان است. با خدا سخن گفتن و خود را نزدیک او دیدن، به انسان روح اخلاص می‌دهد. اخلاص یعنی کار را برای خدا انجام دادن. همه‌ی کارها را می‌شود برای خدا انجام داد. بندگان خوب خدا همه‌ی کارهای معمولی روزمره‌ی زندگی را هم با نیت تقرب به خدا انجام می‌دهند و می‌توانند. بعضی هم هستند که حتی‌قرب‌ترین و عبادی‌ترین کارها - مثل نماز - را نمی‌توانند برای خدا انجام دهند. بی‌اخلاصی، درد بزرگی برای انسان است. دعا روح اخلاص را در انسان می‌دمد.

دستاورد چهارم دعا، خودسازی و رشد فضایل اخلاقی در انسان است. انسان با توجه به خدا و با حرف زدن با خدای متعال، فضایل اخلاقی را در خود تقویت می‌کند؛ این خاصیت قهری و طبیعی‌انسان با پروردگار است؛ بنابراین دعا می‌شود پلکان عروج انسان به سمت کمالات. متقابلاً دعا رذایل اخلاقی را از انسان می‌زداید؛ حرص و کبر و خودپرستی و دشمنی با بندگان خدا و ضعف نفس و جبن و بی‌صبری را از انسان دور می‌کند. دستاورد پنجم دعا، ایجاد محبت به خدای متعال است. دعا عشق به خدای متعال را در دل زنده می‌کند. مظهر همه‌ی زیبایی‌ها و خوبی‌ها ذات اقدس پروردگار است. دعا و انس و تکلم با خدای متعال، این محبت را در دل به وجود می‌آورد.

دستاورد ششم دعا، دمیدن روح امید در انسان است. دعا به انسان قدرت مقاومت در مقابل چالش‌های زندگی را می‌دهد. هر کس در دوران زندگی خود با حوادثی مواجه می‌شود و چالش‌هایی پیدا می‌کند. دعا به انسان توانایی و قدرت می‌دهد و انسان را در مقابل حوادث مستحکم می‌کند؛ لذا در روایت از «دعا» تعبیر شده است به سلاح. از نبی مکرم نقل شده است که فرمود: «الا ادلکم علی سلاح ینجیکم من اعدائکم»؛ اسلحه‌ی را به شما معرفی کنم که مایه‌ی نجات شماست؛ «تدعون ربکم باللیل و النهار فان سلاح المؤمن الدعاء». در مواجهه‌ی با حوادث، توجه به خدای متعال، مثل سلاح برتده‌ی در دست انسان مؤمن است. لذا در میدان جنگ، پیغمبر مکرم اسلام همه‌ی کارهای لازم را انجام می‌داد؛ سپاه را می‌آراست، سربازان را به صف می‌کرد، امکانات لازم را به آنها می‌داد، توصیه‌های لازم را به آنها می‌کرد، اشراف فرماندهی خودش را اعمال می‌کرد؛ اما در همان وقت هم وسط میدان زانو می‌زد، دست به دعا بلند می‌کرد، تضرع می‌کرد، با خدای متعال حرف می‌زد و از او می‌خواست. این ارتباط با خدا، دل انسان را مستحکم می‌کند.

دستاورد دیگر دعا، برآمدن حاجات است. یکی از دستاوردهای دعا این است که حاجاتی که انسان دارد، از خدای متعال می‌خواهد و خدا آن حاجات را برآورده می‌کند. البته همه‌ی خواص دعا این نیست؛ این هم یکی در کنار بقیه‌ی دستاوردهای دعاست. فرمود: «اسألوا الله من فضله»؛ از خدای متعال بخواهید و نیازهای خودتان را از او بطلبید. در دعای ابوحمزه‌ی ثمالی از قول امام سجاد (علیه السلام) این طور عرض می‌شود: «و لیس من صفاتک یا سیدی أن تأمر بالسؤال و تمنع العطیة و انت المثنان بالعطیات علی اهل مملکتک»؛ تو به بندگان خودت دستور بدهی که از تو بخواهند، اما بنا داشته باشی که خواسته‌ی آنها را عملی نکنی؛ این امکان ندارد. وقتی خدای متعال به من و شما امر می‌کند که از او بخواهیم و طلب کنیم، معنایش این است که خدای متعال تصمیم دارد که آنچه را می‌خواهیم، به ما بدهد. لذا در روایت است که: «ما کان الله لیفتح لعبد الدعاء فیغلق عنه باب الاجابة والله اکرم من ذلك»؛ خدای متعال کریم‌تر از آن است که باب دعا را باز کند، اما باب اجابت را ببندد.



چه دعایی باید بکنیم که دنبال آن، اجابت باشد. گاهی انسان چیزی را از خدا می خواهد و به حسب ظاهر احساس می کند که این خواسته برآورده نشد. شرط مهم اجابت دعا این است که دعا به معنای حقیقی کلمه و با شرایط خود انجام بگیرد. اولین شرط دعا این است که با دل باطراوت و بی آرایش درخواست شود؛ مثل دل جوانها؛ لذا دعای جوانان اقبال و احتمال اجابت را بیش از همه دارد. گاهی بعضی ها به بنده می گویند برای جوانهای ما دعا کن. البته ما همیشه برای همه ی جوانها دعا می کنیم؛ اما در واقع این جوانها هستند که اگر قدر دل بی آرایش و باطراوت خود را بدانند، دعای آنها از هر دعایی می تواند به استجاب نزدیکتر باشد.

یکی دیگر از شرایط دعای مستجاب این است که انسان دعا را با معرفت انجام دهد؛ یعنی بداند که این دعا و این درخواست از کسی است که قدرت دارد همه ی آنچه را که انسان می خواهد، برای او انجام دهد؛ یعنی به اثر دعا باور داشته باشد. به امام صادق (علیه الصلوة والسلام) عرض شد که: «ندعوا فلا یتجاب لنا»؛ دعا می کنیم، اما اثر اجابت را نمی بینیم؛ فرمود: «لأنکم تدعون من لا تعرفونه»؛ بی معرفت دعا می کنید. در روایتی درباره ی معرفت در دعا نقل شده است که: «یعلمون أتی اقدر علی ان اعطیهم ما یسألونی»؛ به قدرت اجابت پروردگار باور داشته باشند. در دعا همت بلند داشته باشید؛ درخواست های بزرگ بکنید؛ سعادت دنیا و آخرت را بخواهید و نگویید اینها بزرگ است، اینها زیاد است؛ نه، برای خدای متعال اینها چیزی نیست. عمده این است که شما به معنای حقیقی کلمه و با همین شرایط، طلب کنید؛ خدای متعال این طلب را اجابت خواهد کرد. گاهی هم انسان نمی داند کاری که انجام گرفت، اجابت دعای او بوده؛ خود انسان غافل است.

یکی دیگر از شرایط دعا، اجتناب از گناه و توبه است. این شب ها هم شب های توبه است. همه دچار گناه و تخلف هستیم. تخلف ها کوچک و بزرگ دارد. از خدای متعال باید عذرخواهی و استغفار و طلب بخشش و توبه کنیم و به سوی خدا برگردیم. عزم ما باید این باشد که از ما گناه سر نزند. گاهی انسان عزم می کند و تصمیم می گیرد که گناه نکند؛ بعد دچار غفلت و اشتباه می شود و لغزش پیدا می کند؛ باز همین گناه سراغ انسان می آید؛ بار دیگر باید توبه و استغفار کند؛ منتها استغفار باید جدی و حقیقی باشد. گناه نکردن باید یک قصد واقعی و جدی باشد. درباره ی دعا و استجاب دعا در روایت دارد که: «ولیخرج من مظالم الناس»؛ انسان باید از مظلومی مردم خارج شود تا دعایش قبول شود. در روایت دیگر دارد که خدای متعال به حضرت موسی خطاب فرمود: «یا موسی ادعنی بالقلب النقی واللسان الصادق». با دل پاک و زبان راستگو با خدای متعال حرف بزنید و دعا کنید؛ دعا قطعاً مستجاب خواهد شد.

یکی دیگر از شرایط استجاب دعا، حضور قلب و خشوع است. همان طور که عرض کردیم، معنای دعا این است که شما با خدا حرف بزنید؛ خدا را در مقابل خود احساس کنید و حاضر و ناظر بدانید. این که انسان همین طور طبق عادت چیزی را بر زبان بیاورد و مطالبه یی را ذکر کند - خدایا ما را بیمارز، خدایا پدر و مادر ما را بیمارز - بدون این که در دل خود حقیقتاً حالت طلبی را احساس کند، این دعا نیست؛ لقلقه ی لسان است. «لا یقبل الله عزوجل دعاء قلب لاه»؛ دل غافل و بی توجه و سر به هوا اگر دعا کند، خدای متعال دعایش را قبول نمی کند. دل های آلوده و غرق در تمنیات و شهوات نفسانی - که اصلاً غافلند - چگونه دعا خواهند کرد؟ چه توقعی است که اگر انسان این طور دعا کرد، مستجاب شود؟

بعضی ها دعا و عبادت و توبه را می گذارند برای دوران پیری؛ این اشتباه بزرگی است. اگر گفته شود توبه کنید، می گویند حالا وقت داریم. اولاً معلوم نیست وقت داشته باشیم؛ مرگ انسان را مطلع نمی کند؛ برای همه ی سنین هم است. اگر فرض کردیم حقیقتاً وقت داریم - یعنی بناست به سنین پیری برسیم - چنانچه کسی خیال کند که می شود دوران جوانی را با غفلت و غرق شدن در شهوات گذراند، بعد با خیال راحت و با آسانی به سراغ توبه رفت، اشتباه بزرگی مرتکب شده است. حالت دعا و انابه چیزی نیست که انسان هر وقت اراده کرد، برای او پیش بیاید. گاهی می



خواهیم، نمی شود؛ دنبال حال و توجه هستیم، دست نمی دهد؛ «ذلك بما قدّمت يدك». انسانی که زمینه ی توجه به خدا و رجوع الی الله را در خودش به وجود نیاورده باشد، این طور نیست که هر وقت اراده کرد، بتواند در خانه ی خدا برود. شما می بینید بعضی دل‌های پاک - غالباً جوانها - خیلی راحت می توانند ارتباط برقرار کنند؛ اما بعضی هرچه تلاش می کنند، این ارتباط برقرار نمی شود. کسانی که فرصتی دارند و می توانند دل خودشان را نرم نگه دارند، قدر بدانند و رابطه ی خود را با خدا حفظ کنند؛ تا هر وقت خواستند در خانه ی خدا بروند، بتوانند.

نکته ی آخر در باب دعا، دعاهای مأثور است. دعاهایی که از ائمه رسیده است، بهترین دعاهاست. اولاً خواسته هایی در این دعاها گنجانده شده است که به ذهن امثال ماها اصلاً خطور نمی کند و انسان از زبان ائمه (علیهم السلام) آنها را از خدا طلب می کند. در دعای ابوحمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه بهترین مطالبات و خواسته ها برای انسان مطرح می شود؛ که اگر انسان اینها را از خدا بخواهد و بگیرد، می تواند برای او سرمایه باشد. ثانیاً در این دعاها مایه های خشوع و تضرع وجود دارد. مطلب، با زبان و لحن و بیانی ادا شده است که دل را خاشع و نرم می کند. با عبارات فصیح و بلیغ، عشق و شیفتگی و شوق در این دعاها موج می زند. انسان باید این دعاها را قدر بداند و از آنها استفاده کند.

البته باید معنای این دعاها را بفهمیم. خوشبختانه الان ترجمه های خوب وجود دارد و مفاتیح الجنان و دعاهای گوناگون ترجمه شده است. با توجه به ترجمه ها، دقت کنند و بخوانند. البته تا آن جایی که ما دیده ایم، هیچ ترجمه یی نتوانسته زیبایی های الفاظ این دعاها را منعکس کند؛ ولی بالاخره مضمون دعا معلوم است. با توجه به این ترجمه ها دعاها را بخوانند. کسانی که می خوانند و با آنها عده یی همصدا می شوند، بعضی از فقرات دعا را لااقل ترجمه کنند. البته مرتبه ی پایین ترش هم این است که اگر انسان معنای دعا را نمی فهمد، همین قدر احساس کند که با يك زبان شیفته ی حاکی از سوز دل دارد با خدای متعال حرف می زند.

امیدواریم خدای متعال در شب های مبارک قدری که در پیش داریم، به همه ی ما توفیق دهد تا بتوانیم از این شب ها استفاده کنیم. عزیزان من! دعا کنید. دعا مخصوص وقت گرفتاری نیست؛ همیشه باید دعا کرد. بعضی خیال می کنند وقتی گرفتاری و مصیبت و بلایی بود، باید دعا کرد؛ نه، آن وقتی هم که انسان در حال عادی زندگی می کند، باید دعا کند و رابطه را با خدا محفوظ نگه دارد. به تعبیر یکی از روایات، صدای خود را برای فرشتگان در ملکوت اعلی آشنا کند. دعا همیشه لازم است. حاجت های خودتان، حاجت های برادران مؤمن، حاجت های همه ی مسلمین سطح جهان، مسائل عمومی کشور، رفع گرفتاری ها، تسهیل پیشرفت های درخشان کشور و نظام جمهوری اسلامی را از خدا بخواهید. بزرگترین فایده ی دعا، فایده ی نقد دعاست که به خود شما دعاکننده می رسد؛ یعنی ایجاد رابطه با خدای متعال و احساس محبت و شوق به تقرب به پروردگار عالم. این، نقدترین دستاورد دعاست که متعلق به خود شما دعاکننده است؛ بحث استجاب، بحث دیگری است.

ایام سوگواری حضرت امیرالمؤمنین است؛ يك جمله هم درباره ی این مصیبت بزرگ دنیای اسلام عرض کنم و ذکر مصیبت کنم. در سحر نوزدهم این فاجعه ی عظیم اتفاق افتاد؛ یعنی امیرالمؤمنین - مظهر عدالت - به خاطر مبارزه ی در راه عدل و داد و انصاف و حکم الهی، در محراب عبادت در خون خود غلتید و محاسن مبارکش به خون سرش رنگین شد. من يك عبارت وارد شده ی در روایت را می خوانم و برای شما معنا می کنم تا توسلی پیدا کرده باشیم. این طور وارد شده است که «فلماً احسّ الامام بالضرب لم يتأوّه»؛ وقتی ضربت شمشیر بر فرق مبارک امیرالمؤمنین فرود آمد، هیچ آه و ناله یی از آن حضرت سر نزد. «و صبر واحتسب»؛ حضرت صبر کردند. «و وقع علی وجهه»؛

امیرالمؤمنین با صورت روی زمین افتادند. «قائلاً بسم الله و بالله و علی ملّة رسول الله»؛ درست مثل حضرت اباعبدالله که وقتی در گودال قتلگاه روی زمین افتادند، نقل شده است که عرض کردند: «بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملّة رسول الله». مردم شتابان دنبال قاتل بودند تا او را دستگیر کنند. «ولا يدرون این یذهبون من شدّة



الصّدمة و الدهشة» ؛ از بس این حادثه دهشت آفرین بود، مردم را سراسیمه کرد. همین طور می دویدند تا بتوانند قاتل را پیدا کنند. «ثم احاطوا باميرالمؤمنين عليه السلام» ؛ بعد آمدند اطراف حضرت را گرفتند. «و هو يشدّ رأسه بمأزره و الدّم يجري على وجهه و لحيته» ؛ خون بر صورت و محاسن حضرت جاری بود. خود آن بزرگوار مشغول بستن زخم سرش بود. «و قد خضبت بدمائه و هو يقول هذا ما وعدالله و رسوله و صدق الله و رسوله» ؛ حضرت زخم سرشان را می بستند و می فرمودند این همان چیزی است که خدا و پیغمبر به من وعده کرده بودند. پیغمبر قبلاً فرموده بود که این حادثه پیش می آید. امام حسن (علیه السلام) سر رسیدند، سر پدر را در دامن گرفتند، خون ها را شستند و زخم را بستند. «و هو يرمق السماء بطرفه» ؛ حضرت همان طور که خوابیده بودند، با گوشه ی چشم آسمان را نگاه می کردند. «و لسانه يسبح الله و يوحد» ؛ در آن حالت، زبانشان در حال تسبیح و حمد پروردگار بود. حضرت از هوش رفتند و امام حسن مشغول گریه شدند. «و جعل يقبل وجه ابيه و ما بين عينيه و موضع سجوده» ؛ امام حسن چشمش به چهره ی پدر بود. وقتی دید از هوش رفت، خم شد پیشانی و محل سجده های طولانی امیرالمؤمنین را بوسید ؛ صورتش را بوسید ؛ ما بین دو چشمش را بوسید. «فسقط من دموعه قطرات على وجه اميرالمؤمنين عليه السلام» ؛ از اشک چشم امام حسن چند قطره یی روی صورت امیرالمؤمنین ریخت. «ففتح عينيه» ؛ حضرت چشمشان را باز کردند. «فرأه باكيا» ؛ دیدند امام حسن دارد گریه می کند. «فقال يا حسن ما هذا البكاء» ؛ فرمود حسن جان! چرا گریه می کنی؟ «يا بنی لا روع على ابيك بعد اليوم» ؛ پسر! بعد از این لحظه، پدر تو هرگز ناراحتی و ترسی ندارد. «هذا جدك» ؛ این جدت پیغمبر است. «و خديجه» ؛ این خدیجه است. «و فاطمة» ؛ این فاطمه است. «والحور العين محدقون» ؛ همه اطراف من را گرفته اند. «منتظرون قدوم ابيك» ؛ همه منتظرند که من بروم زودتر به اینها ملحق شوم. «فطب نفساً و قرّ عينا و اكفف عن البكاء» ؛ اشک نریز پسر! صلّی الله عليك یا امیرالمؤمنین، صلّی الله عليكم یا اهل بیت النبوة.

پروردگارا! تو را به حق این روزها و شب های مقدس و به حق امیرالمؤمنین سوگند می دهیم دلهای ما را با ذکر خودت آشنا کن. پروردگارا! محبت و عشق به خود را روزبه روز در دل ما مستحکم تر کن. پروردگارا! کارهای خدایی را در چشم ما محبوب کن ؛ دل ما را از اعمال شیطانی متنفر و دور کن. پروردگارا! ما را در این شب های رحمت و مغفرت، مورد رحمت و مغفرت خود قرار بده. پروردگارا! پدر و مادر ما، گذشتگان و ذوالحقوق ما را مشمول رحمت و مغفرت خودت قرار بده. پروردگارا! ملت ایران را عزیز و سربلند کن. پروردگارا! همه ی گره هایی که در کار امت بزرگ اسلامی است، باز کن. پروردگارا! دشمنان اسلام و مسلمین را مقهور و منکوب کن. پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود بفرما ؛ ما را در این شب های قدر مشمول دعای خیر آن بزرگوار قرار بده.

بسم الله الرحمن الرحيم

قل هو الله احد. الله الصمد. لم يلد و لم يولد. و لم يكن له كفوا احد.

خطبه ی دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين سيّما على اميرالمؤمنين والصديقة الطاهرة سيّدة نساءالعالمين والحسن والحسين سيّدى شباب اهل الجنة و على بن الحسين و محمد بن على و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و على بن موسى و محمد بن على و على بن محمد والحسن بن على و الخلف الهادى المهدي القائم حججك على عبادك و امنائك فى بلادك و صلّ على أئمةالمسلمين و حماةالمستضعفين و هداةالمؤمنين. اوصيكم عبادالله بتقوى الله.

در خطبه ی دوم، پس از توصیه ی به تقوا که وظیفه ی همه ی ماست و در همه ی جمعه ها باید این توصیه انجام بگیرد و امیدواریم خدای متعال عمل به این توصیه را روزی همه ی ما بفرماید، دو، سه مسأله ی داخلی و خارجی را

به اختصار عرض می‌کنیم: یکی، درباره‌ی مسائل دولت و وظایف همه‌ی ما؛ یکی، در زمینه‌ی مسأله‌ی هسته‌ی بی‌یکی، در باب مسأله‌ی فلسطین و روز قدس؛ یکی هم درباره‌ی مسأله‌ی عراق.

درباره‌ی دولت، آنچه که من به نظرم می‌رسد که لازم است عرض بکنم، این است که دولت ما بحمدالله يك تازه نفس و آماده به کار است. آنچه که من از نزدیک احساس می‌کنم این است که می‌بینم به طور جدی این برادران آماده هستند تا وظایفی را که قانون برعهده‌ی آنها گذاشته است، انجام بدهند و همان شعارهایی را که مطرح شده است، تحقق ببخشند؛ من این را احساس می‌کنم که عازم بر کار کردن و عمل کردن هستند. الان که زمان کوتاهی از تشکیل این دولت گذشته است - حالا دو ماه یا دو ماه و نیم - انسان می‌بیند بعضی‌ها که در قبال برخی از مسائل، پنج سال و ده سال صبر کردند و چیزی نگفتند، حالا در این دو، سه ماه بی‌صبری می‌کنند؛ یا به زمین می‌زنند که چرا فلان کار نشد؟! چرا فلان کار چنین شد؟! باید به دولت کمک کرد؛ باید به آن کسانی که در وسط این گود مشغول چالش‌های بزرگ هستند، مدد رساند و فرصت داد تا کار خودشان را انجام بدهند. البته اگر خدای نکرده، کوتاهی‌یی صورت بگیرد، بنده خودم اول مدعی خواهم بود؛ لیکن این هم که ما دولتی را که اول کارش هست و هنوز از تشکیل آن، دو، سه ماه بیش نگذشته است، به پای میز مطالبه بکشیم و دایم از او مطالبه کنیم که چرا فلان کار نشد، این، بی‌انصافی است. می‌دانید که دشمنان نظام جمهوری اسلامی هم همیشه با همه‌ی دولت‌های ما مخالف بودند؛ ولو زبانی هم اظهار موافقت می‌کردند، در باطن قلب‌شان مخالفت بوده است؛ اما حالا حتی بعضی از دشمنان ما در زبان هم اظهار مخالفت می‌کنند؛ چون ناراحتند که ملت ایران در يك انتخابات پرشور و وسیع، شعارهای اساسی انقلاب برایش مطرح بشود و يك اکثریت بزرگ و چشمگیری به دنبال این شعارها بروند؛ این معلوم است که برای استکبار جهانی ناخوشایند است؛ لذا شایعه‌سازی می‌کنند، شایعه‌پراکنی می‌کنند، متأسفانه يك عده هم همین شایعات را در داخل تکرار می‌کنند. انسان شایعات مضحکی را درباره‌ی دولت می‌شنود که مثل این شایعات را در زمان انتخابات هم می‌گفتند که: بنا دارند این‌ها خیابان‌ها را دیوارکشی کنند!! و چه بکنند. حالا هم از همین جور حرف‌ها را شایعه می‌کنند و می‌خواهند ذهن مردم را خراب کنند؛ مردم را دلسرد کنند. این شایعه‌پراکنی‌ها مضر است. مردم هم باید اعتماد کنند، مجلس شورای اسلامی هم باید اعتماد بکند، تا ان شاءالله این دولت بتواند کارها را انجام بدهد. البته باید این حالت جدیت را مسؤولان دولتی حفظ کنند؛ یعنی این دیگر وظیفه‌ی اصلی آنهاست و باید به طور جدی به دنبال انجام کارها باشند. البته قبلاً هم گفتیم، حالا هم عرض می‌کنیم که جدی بودن و دنبال کردن، به معنای شتابزدگی و کار بی‌مطالعه انجام دادن نیست، با مطالعه، با مشورت، با دقت، با تدبیر؛ لیکن پیگیر و مستمر و بی‌وقفه و به طور کاملاً جدی، ان شاءالله کار دنبال شود.

در مسأله‌ی هسته‌ی بی، حرف ملت ایران حرف معلومی است، مسؤولان هم بارها آنچه را که باید گفت، گفته‌اند. مطلب این است که ملت ایران يك ملت با استعداد، با فرهنگ، بزرگ، توانا، با نشاط و جوان است و این جور ملتی صبر نمی‌کند که اجازه بدهند تا به فلان پیشرفت علمی یا فلان پیشرفت فناوری دست پیدا کند؛ نه، این جور ملتی خودش وارد می‌شود، مرزهای دانش را هم می‌شکند و عبور می‌کند و خودش را نشان می‌دهد. اگر هم خارجی‌ها، رقبا، دشمنان می‌بینند که در این صد سال اخیر قبل از انقلاب این حالت پیش نیامده، باید بدانند که در آن وقت‌ها نمی‌گذاشتند ملت ایران حرکت شایسته‌ی خودش را بکند؛ والا ملت ایران همیشه يك ملت بااستعداد بوده است. ما همان ملتی هستیم که در همه‌ی دوران اسلامی، از همه‌ی ملت‌های مسلمان، بدون استثناء، پیشروتر بودیم و در همه‌ی علوم و فنون؛ در فلسفه، در علم، حتی در علوم مربوط به زبان عربی پیشروتر بودیم؛ بزرگترین زبان دان‌ها و نحوی‌ها و علمای علم زبان عربی، ایرانی‌اند و حتی بهترین و قوی‌ترین کتابها را هم در همان رشته، ایرانی‌ها نوشته‌اند. این ملت همیشه در فلسفه، در علوم گوناگون و در دانش‌های تجربی، به قدر زمانه و جلوتر از آن، پیشرو بوده است. این، همان ملت است؛ منتظر نمی‌ماند؛ لذا منتظر هم نماند و حالا از جمله، توانسته است به دانش



هسته یی دست پیدا کند. آنچه که امروز ما داریم، هم دانش هسته یی است، هم فناوری هسته یی؛ اما آنچه نداریم و جلوییش را گرفته اند و مانع ایجاد کرده اند، تشکیل تجهیزات این فناوری است؛ یعنی یک علمی را شما کسب می کنید، بر اساس او یک فناوری را به دست می آورید؛ راز به کارگیری این دانش را در تولید فلان محصول کشف می کنید و وسیله اش را هم در حد حداقل تولید می کنید؛ ولی وقتی می خواهید آن را تکثیر کنید و از آن استفاده ی کامل بکنید، نمی گذارند و جلوییش را می گیرند؛ این، چیزی است که اتفاق افتاده است. حرف ملت ایران این است که در مناسبات بین المللی، گزینشی نباید عمل کرد. اینی که ما رسیدن به دانش هسته یی را برای فلان کشور مجاز بشمریم، برای فلان کشور، به دلایل واهی، مجاز نشمریم، برای ملت ایران قابل قبول نیست.

کاری که در کشور در این زمینه - چه در چالش بین المللی مربوط به کار هسته یی، چه در خود کار هسته یی - دارد انجام می گیرد، کاری است که با حکمت و مشورت دارد انجام می گیرد؛ این را ملت ایران بدانند. گاهی اظهار نگرانی می شود که نبادا کار غیرمدبرانه یی انجام بگیرد؛ نبادا تصمیمات فردی گرفته بشود؛ نه، قضیه این جور نیست. خوشبختانه مسؤولان کشور در این مسأله هم رأی و هم فکریند؛ کار با مشورت، با تدبیر - از اول و در این دو سال و اندی هم همین جور بوده است - و با فکر جمعی انجام گرفته است و پیشرفت کرده ایم. بعد از این هم همین جور خواهد بود. افرادی مردم را نترسانند که ممکن است کار بی مشورت باشد، عجولانه باشد؛ نه، نخیر؛ کار دارد درست با حکمت و همه جانبه، با توجه به جوانب گوناگون، پیش می رود. مسأله این است که ملت ایران حقی دارد و آن حق را مطالبه می کند. این حرف هم برای مردم دنیا قابل فهم است، هم برای دولت ها قابل فهم است؛ ولی معارض اصلی در این قضیه، دولت امریکاست. حتی دولت های اروپایی هم مواضع شان بیشتر تحت تأثیر فشار امریکاست؛ هر کدام که با امریکا نزدیکترند، مواضع شان تندتر و سخت تر است؛ مثل دولت انگلیس. البته ملت ایران سوابق طولانی از دولت انگلیس دارد و مسأله یی ملت ایران و دولت انگلیس، مسأله یی امروز و دیروز نیست؛ حالا هم همه شان، از آن رأس شان تا مسؤولان گوناگون شان، مواضع بسیار بدی دارند می گیرند؛ آنها یکی از بدترین مواضع را دارند می گیرند؛ لیکن معارض اصلی، دولت امریکاست. دولتمردان امریکا که ادعا می کنند ایران دنبال سلاح اتمی است، خودشان هم می دانند که دروغ می گویند، آن کسانی هم که حرف این ها را در نطق ها و محافل می شنوند و برایشان کف می زنند، آن ها هم می دانند که این ها دروغ می گویند؛ کمالین که آن جایی که دم از حقوق بشر می زنند، همین طور است. وقتی رئیس جمهور امریکا درباره ی قضایای عراق و غیره، دم از دموکراسی و حقوق بشر می زند، هم خودشان می دانند که دروغ می گویند - چیزی که به فکرش نیستند، حقوق بشر و دموکراسی است - هم آن مخاطبانی که این حرفها را می شنوند و برایشان کف می زنند. اهداف آن ها برای خودشان روشن است؛ هدف آنها سلطه گری است. حقوق بشر برایشان کمترین اهمیتی ندارد. شما در همین طوفان کاترینا در امریکا، دیدید که چون مردم، سیاه پوست بودند، همان مقداری هم که دولت امریکا می توانست، به اینها کمک نشد؛ این، حرفی است که خود ملت امریکا - سیاه پوست ها که به جای خود - بر زبان آوردند و گفتند و فریاد کشیدند. رفتارشان با زندانی، رفتارشان با زندانی بخصوص گوانتانامو، رفتارشان در ابوغریب عراق، رفتارشان با مردم عراق، رفتارشان با زن و بچه هایی که در خانه هاشان هستند، همه، نشان دهنده یی این است که مسأله یی حقوق بشر از نظر امریکایی ها افسانه است؛ می دانند که دروغ می گویند. مسأله یی آنها دو چیز است:

یکی، این است که بحران آفرینی در دنیا برای دولت های امریکا غالباً یک مطلوب لازم، یک کار تاکتیکی لازم بوده است؛ به آن احتیاج داشته اند برای این که از مسایل داخلی، از مشکلات داخلی امریکا، مردم را متوجه به خارج کنند؛ همیشه این جور بوده است و حالا هم این دولت که در امریکا بر سر کار است، یک دولت افراطی و جنگ طلب است و مصلحت شان ایجاب می کند که این طرف و آن طرف دنیا مسأله درست کنند، مسایلی را بزرگ کنند، یا بحران بیافرینند، یا حوادث کوچک را به شکل بحران برای ملت خودشان معرفی کنند.



دیگر این که دولت های آمریکا و از همه بیشتر این دولت جنگ طلب تندروی افراطی، دنبال يك امپراطوری اند ؛ دنبال يك سلطه ی جهانی اند. این سلطه، مخصوص خاورمیانه هم نیست. البته حالا خاورمیانه مطرح است ؛ اما این ها به خاورمیانه هم قانع نیستند. شرکای اروپایی شان هم این را خوب می دانند که آمریکا آن روزی که به خاورمیانه و به آسیای میانه و به مناطق حساس دنیا تسلط پیدا کند، دست از سر اروپا هم حتی برنخواهند داشت ؛ این، چیزی نیست که برای آن ها پوشیده و پنهان باشد. آن ها دنبال منافع شان هستند. یکی از مهم ترین مناطق، عبارت است از همین خاورمیانه ؛ منطقه ای حساس، پل شرق و غرب، منطقه ی نفت، منطقه ی گذرگاه ها و گلوگاه های دریایی بسیار حساس، با ملت هایی که سابقه های فرهنگی دارند و ذخایر فراوان ؛ اینها همه در این منطقه جمع است. حکومت آمریکا به این طور چیزها برای سلطه ی خود در دنیا احتیاج دارد. در این منطقه، آن دولتی که صریحاً با سلطه طلبی مخالفت می کند و به طور جد ایستاده است، دولت جمهوری اسلامی است. طبیعی است که این مسایل وجود پیدا می کند و بنابراین، معارض، دولت امریکاست.

حرف جمهوری اسلامی این است که این ملت ؛ ملتی که انقلاب کرده است ؛ ملتی که در طول بیست وهفت سال نظام جمهوری اسلامی با حوادث گوناگون و نشیب و فرازهای مختلف مواجه شده و با آنها پنجه انداخته و در همه ی قضایا توانسته است به طرف هدف های خود پیش برود ؛ ملتی که اکثریت قاطع آن، جوانند ؛ ملتی که دانشجوی آن، استاد آن، نخبه ی علمی و عملی آن روزبه روز رو به افزایش است، ملتی است که رو به آینده دارد ؛ دل پُر امید دارد. این ملت، ملتی نیست که زیر بار زور و تحمیل آمریکا و غیرامریکا برود ؛ لذا همان طور که مسؤولان کشور در باب مسأله ی انرژی هسته یی گفته اند، هدف ما مطلقاً ربطی به سلاح هسته یی و انحراف این حرکت علمی و فناوری به سمت سلاح نیست ؛ اما از این فناوری هم ملت ایران صرف نظر نخواهد کرد ؛ این، حرف اصلی ماست. روش های کاری و دیپلماسی و ارتباطات و مناسبات بین المللی اش را هم مسؤولان کشور سازماندهی می کنند و پیش می برند.

و اما مسأله ی فلسطین و روز قدس. روز قدس نزدیک است. روز قدس، روز آزمایش بزرگ ملت های مسلمان است ؛ روز قدس، آن روزی است که ملت های مسلمان بی واسطه ی مقامات رسمی حرف شان را در دنیا مطرح می کنند. امسال هم روز قدس اهمیت مضاعفی دارد ؛ هم به خاطر حادثه ی غزه - که واقعاً عقب نشینی از غزه يك شکست بزرگ صهیونیست ها بود - هم به خاطر توطئه یی که بعد از شکست غزه و برای جبران آن شکست، از سوی امریکایی ها و صهیونیست ها و بعضی از هم پیمانان شان در جریان است ؛ یعنی عادی سازی رابطه ی زشت با رژیم صهیونیستی در میان برخی از دولت های اسلامی و برخی از دولت های منطقه، که نباید زیر بار بروند. دولت های اسلامی با بهانه های مختلف و برای خاطر شاد کردن دل امریکا، نباید ارتباطشان را با این رژیم غدار ستمگر غاصب - که خطری برای همه ی منطقه و همه ی ملتها و دولتهاست - عادی کنند ؛ نباید به خاطر امریکا، روی خوش به این رژیم نشان بدهند، که این کار زشتی است. دلیل زشت بودن این کار هم این است که آن کسانی که مرتکب این عادی سازی می شوند، لاقلاً در اوایل کار، آن را پنهان نگه می دارند ؛ لذا کار زشتی است که پنهانش می کنند. کار زشت را نباید انجام داد، نه این که پنهان کرد. بنابراین، روز قدس ان شاءالله پُرشورتر از همیشه برگزار شود.

آخرین مطلب درباره ی عراق است. این رفراندوم قانون اساسی، کار بزرگی بود ؛ کار مبارکی بود ؛ این اولین قانون اساسی یی است که در عراق به وسیله ی خود مردم دارد به وجود می آید ؛ این مطلقاً در جهت خواست امریکایی ها نیست ؛ هرچند که امریکایی ها این جور وانمود می کنند ؛ اما خلاف می گویند ؛ چنین چیزی نیست. آن ها دنبال چیزهای دیگری در عراق بودند، هنوز هم دنبال چیزهای دیگر هستند. آنچه که بعد از این تثبیت قانون اساسی، اهمیت بسیاری دارد، انتخابات آینده ی عراق است - ما توصیه یی به برادران عراقی داریم که به زبان عربی عرض خواهیم کرد - که خیلی انتخابات حساسی است و اشغالگران عراق هم نسبت به آن انتخابات از حالا مشغول





فعالیتند.

زخمی که امروز در عراق وجود دارد، اختلاف بین شیعه و سنی است، که به وسیله ی يك گروه افراطی بی خبر از اسلام، دارند آن را تشدید می کنند. نمی شود گفت این ها سنی اند؛ این ها نه سنی اند، نه شیعه؛ هم دشمن شیعه اند، هم دشمن سنی؛ این ها دشمن اسلامند. این کسانی که مسجد شیعه را منفجر می کنند - این روزها صدام دارد محاکمه می شود برای کشتن صدوپنجاه، شصت نفر شیعه در يك روستایی - چه فرقی دارند با صدام؛ این ها هم بمب گذاری می کنند و صد نفر، صدوپنجاه نفر از مردم شیعه را در حله، در بغداد و در بخش های مختلف از بین می برند؛ این ها هم مثل صدام هستند. بنابراین، نمی شود گفت که این ها سنی هستند. سیاست دشمنان اسلام ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است. این، یکی از راه هایش است. هر کسی به این اختلافات شدید کمک کند، در واقع به آن اهداف کمک کرده است. جا دارد که همه ی گروه های عراقی، این حرکات را محکوم کنند و از آن تبرّی بجویند. خوشبختانه بزرگان شیعه عاقلانه و خوب عمل کردند؛ به شیعیان توصیه کردند که عکس العمل نشان ندهند، که این کار مهمی بود.

بسم الله الرحمن الرحيم  
اَنَا اعطيتُكَ الكوثر، فصلٌ لربِّكَ وانحر، انّ شأنك هو الابتر.  
والسلام عليكم ورحمة الله